

اگر منظور رسول خدا (ص) از حدیث غدیر، امامت امیر مؤمنان (ع) بود، چرا صحابه دچار اختلاف شدند؟

## توضیح سوال :

اگر مقصود رسول خدا (ص) از حدیث غدیر، تعیین علی (ع) به عنوان خلیفه بود، نباید میان صحابه اختلاف می‌شد؛ چون آن‌ها صحابه رسول خدا (ص) و دست پروده آن حضرت بودند. چگونه می‌توان تصور کرد که تنها بعد از چند روز از حادثه غدیر خم، صحابه وصیت و فرمان رسول خدا را فراموش کرده باشند و به آن حضرت خیانت کنند؟ بنابراین قطعاً مقصود رسول خدا امامت آن حضرت نبوده است.

## نقد و بررسی :

خواستگاه این شبهه، تصور نادرستی است که اهل سنت از صحابه دارند، زیرا آن‌ها بر این باورند که اگر کسی نام صحابی را گرفت و ملقب به این نام شد، عدالتش قطعی است و کاری بر خلاف فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام نخواهد داد. بی تردید اگر مواردی یافت شود که صحابه حتی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، دچار اختلافات شدیدی شده و بر خلاف فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کرده‌اند، بی اساس بودن این شبهه روشن و ثابت می‌شود که اختلاف صحابه در باره یک مسأله، تأثیری در تعیین مقصود رسول خدا نداشته و خدشه‌ای بر دلالت حدیث غدیر وارد نخواهد کرد. اکنون به چند مورد از مخالفت‌های صحابه با رسول خدا اشاره می‌کنیم:

## مخالفت با فرمان رسول خدا (ص) در قضیه وصیت :

بارزترین نمونه از اختلاف میان صحابه و سرپیچی از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، قضیه وصیت آن حضرت است که به بعضی از اصحاب حاضر در مجلس دستور داد تا کاغذ و دوات بیاورند، چون تصمیم داشت مطالبی بنویسد که هرگز گمراه نشوند؛ اما صحابه بدون این که حرمت پیامبر خدا را رعایت کنند، با یکدیگر به نزاع پرداختند، تا جایی که خلیفه دوم آن حضرت را متهم به هذیان گویی کرد! وقتی صحابه در حضور رسول خدا از دستور مستقیم آن حضرت و با یکدیگر به نزاع می‌پردازند، چه استیغادی دارد که بعد از آن حضرت نیز دچار همان اختلاف و سرپیچی نشوند؟ محمد بن اسماعیل بخاری در صحیحش می‌نویسد:

عن بن عباس رضي الله عنهما أنه قال يوم الخميس وما يوم الخميس ثم بكى حتى خضب دمه الحصباء فقال اشتد رسول الله صلى الله عليه وسلم وجعه يوم الخميس فقال انثوني يكتابي اكتب لكم كتابا لن تضلوا بعده أبدا فتنزعوا ولا ينبغي عندني تنازع فقالوا هجر رسول الله صلى الله عليه وسلم ...

ابن عباس می‌گفت: روز پنجشنبه و چه روزی بود آن روز. سپس آن قدر گریه کرد که اشک چشمش سنگریزه هارا خیس کرد، آنگاه گفت: روز پنجشنبه درد بر رسول خدا (ص) شدید شد، فرمود: کاغذی بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید، حاضران اختلاف کردند در حالی که چنین عملی در حضور پیامبر خدا شایسته و سزاوار نبود، گفتند: او بیمار است و هزیان می‌گوید.

الجامع الصحيح المختصر، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي (متوفى 256 هـ)، ج 3، ص 1111، ح 2888، كتاب الجهاد والسير، ب 176، باب هل يستشفع إلى أهل الذمة ومعاملتهم، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.

مسلم نیشابوری این حدیث را با اندک تغییر در صحیحش نقل کرده و می‌نویسد:

عن بن عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَمَا يَوْمَ الْخَمِيسِ ثُمَّ جَعَلَ تَسْبِيحًا دُمُوعُهُ حَتَّى رَأَيْتَ عَلَى خَدَّيْهِ كَأَنَّهَا نِظَامُ اللُّؤْلُؤِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُتُونِي بِالْكَتِيفِ وَالِدَوَاةِ أَوْ اللُّوحِ وَالِدَوَاةِ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا فَقَالُوا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَهْجُرُ .

صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری (متوفای 261 ، ج 3 ، ص 1259 ، ح 1637 ، کتاب الوصیة ، باب ترك الوصیة لمن ليس عنده شيء ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي .

## رسول خدا (ص) قصد نوشتن چه چیزی را داشت ؟

نووي در شرح روایت مسلم مي گوید :  
فقد اختلف العلماء في الكتاب الذي هم النبي صلى الله عليه وسلم به فقبل أراد أن ينص على الخلافة في إنسان معين لئلا يقع نزاع وفتن .

علما در این که پیامبر (ص) چه مي خواست بنویسد ، دچار اختلاف شده اند ، برخی گفته اند که آن حضرت مي خواست جانشین بعد از خودش را معین و به اسم او تصریح کند تا بعد از ایشان و نزاع فتنه نشود .

شرح النووي على صحيح مسلم ، أبو زكريا يحيى بن شرف بن مري النووي (متوفای 676هـ) ، ج 11 ، ص 90 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - 1392 ، الطبعة : الطبعة الثانية .

ابن حجر عسقلاني مي نويسد :  
واختلف في المراد بالكتاب فقبل كان أراد أن يكتب كتابا ينص فيه على الأحكام ليرتفع الاختلاف وقيل بل أراد أن ينص على أسامي الخلفاء بعده حتى لا يقع بينهم الاختلاف قاله سفيان بن عيينة .

در این که پیامبر چه مي خواست بنویسد ، نظرات گوناگونی وجود دارد . برخی گفته اند : نوشته اي بود که بیانگر احکام باشد و اختلاف را از بین به برد ، برخی گفته اند: مي خواست اسامي جانشینان بعد از خودش را بنویسد تا در میان آنها اختلاف نشود . این مطلب را سفيان بن عيينه گفته است .

فتح الباري شرح صحيح البخاري ، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي (متوفای 852 هـ) ج 1 ، ص 209 ، ناشر : دار المعرفة - بيروت ، تحقیق : محب الدين الخطيب .

بدر الدين عيني در شرح صحيح بخاري مي نويسد :  
واختلف العلماء في الكتاب الذي هم صلى الله عليه وسلم بكتابه ، قال الخطابي :  
يحتمل وجهين . أحدهما : أنه أراد أن ينص على الإمامة بعده فترتفع تلك الفتن العظيمة كحرب الجمل وصفين ... .

عمدة القاري شرح صحيح البخاري ، بدر الدين محمود بن أحمد العيني (متوفای 855هـ) ، ج 2 ، ص 171 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .

علما در این که پیامبر (ص) چه مي خواست بنویسد ، دچار اختلاف شده اند ، خطابي گفته : دو احتمال وجود دارد : 1 . يکي این که مي خواست بر امامت بعد از خودش تصریح کند تا از فتنه هاي بزرگي همانند جنگ هاي جمل و صفين جلوگیری شود ... .

قسطلاني (متوفای 923هـ) در شرح صحيح بخاري مي نويسد :  
أكتب لكم كتاباً فيه النص على الأئمة بعدي.

ارشاد الساري ، ج 1 ، ص 207 .

[رسول خدا فرمود : کاغذ و دوات بیاورید] تا نامه ای برای شما بنویسم که در آن نام  
آنمه و پیشوایان بعد از خودم آمده باشد.

و محمد بن یوسف کرمانی مشهور به شمس الأئمه (متوفای 786هـ) در این باره می‌نویسد :

آنمه أراد أن یکتب اسم الخلیفة بعده لئلا یختلف الناس ولا یتنازعوا فیؤدیهم ذلك إلى الضلال .

الکوکب الدراری فی شرح صحیح البخاری ، ج 2 ، ص 172 .

آن حضرت می‌خواست نام خلیفه بعد از خودش را بنویسد تا مردم دچار اختلاف  
نشوند و با یکدیگر نزاع نکنند که آن‌ها را گمراه کند .

و احمد امین مصری (متوفای 1373هـ) می‌نویسد :

وقد أراد الرسول (ص) فی مرضه الذی مات فیہ أن یعیّن من یلی الأمر من بعده .

یوم الإسلام ، ص 41 .

رسول خدا (ص) در هنگام بیماری که از دنیا رفت می‌خواست جانشین بعد از خودش  
را معین کند .

### سرپیچی از فرمان رسول خدا (ص) در قضیه نماز جمعه

رسول خدا صلی الله علیه وآله در حال ایراد خطبه‌های نماز جمعه (یا در حال نماز) بود که صدای طبل و  
شیپور کاروان‌های تجاری به گوش صحابه رسید ، آن‌ها بی‌اعتنا به رسول خدا آن حضرت را تنها رها کردند  
و به سوی کاروان شتافته و جز عده‌ای انگشت شمار ، کسی باقی نماند .  
خداوند ، این عمل صحابه را به شدت تقبیح کرده و می‌فرماید :

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو وَمِنَ  
التَّجَارَةِ وَاللَّهِ خَيْرُ الرَّازِقِينَ . الجمعة / 11 .

هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن  
می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت  
است، و خداوند بهترین روزی‌دهندگان است .

این نص صریح قرآن کریم است و کسی نمی‌تواند آن را انکار نماید . و محمد بن اسماعیل بخاری در صحیحش  
در باره این قضیه می‌نویسد :

عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ أَقْبَلْتُ عَيْرٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَتَحَنُّنٌ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَارَ النَّاسُ إِلَّا اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ (وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا  
وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا) .

الجامع الصحیح المختصر ، محمد بن إسماعیل أبو عبد الله البخاری الجعفی (متوفای 256 ، ج 4 ، ص 1859 ، ح 4616 ،  
، کتاب البیوع ، باب : وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا ، ناشر : دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د.  
مصطفی دیب البغا .

از جابر بن عبد الله نقل شده که گفت : روز جمعه بود و ما در حال نماز خواندن با  
پیامبر (ص) بودیم ، قافله ای وارد شد ، مردم همه متفرق شدند جز دوازده نفر؛ خداوند این  
آیه را نازل کرد : « وَإِذَا ... » .

و در روایت دیگر با صراحت آمده است که مردم در حال نماز متفرق شدند :

حدثنا جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ نُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذْ أَقْبَلَتْ  
عَيْرٌ تَحْمِلُ طَعَامًا قَالَتْفَتُوا إِلَيْهَا حَتَّى مَا بَقِيَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا  
فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : (وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا) .

الجامع الصحيح المختصر ، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي (متوفى 256هـ) ج 1 ، ص 316 ، ح 894 ،  
ناشر : دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا .

جابر بن عبد الله گفت : ما با رسول خدا (ص) در حال نماز بودیم که کاروان مواد غذایی  
وارد شد ، مردم متفرق شدند، جز دوازده نفر کس دیگری با رسول خدا (ص) نماند ، سپس  
این آیه نازل شد : « وَإِذَا رَأَوْا ... » .

ابن حجر عسقلانی بعد از بررسی اقوال در این باره که پیامبر در حال خطبه بود یا در حال نماز مردم متفرق  
شدند می نویسد :

وسلك طائفة مسلکاً آخر ، وظاهر كلام البخاري هاهنا وتبويه يدل عليه ، وهو : أن  
انفضاضهم عن النبي كان في نفس الصلاة ، وكان قد افتتح بهم الجمعة بالعدد المعتبر ، ثم  
تفرقوا في أثناء الصلاة ، فأتم بهم صلاة الجمعة ؛ فإن الاستدامة يغتفر فيها ما لا يغتفر في  
الابتداء . وهذا قول جماعة من العلماء ، منهم : أبو حنيفة وأصحابه والثوري ومالك والشافعي -  
في القديم - وإسحاق ... .

فتح الباري في شرح صحيح البخاري ، زين الدين أبي الفرج عبد الرحمن ابن شهاب الدين البغدادي ثم الدمشقي  
الشهير بابن رجب (متوفى 795هـ) ج 5 ، ص 316 ، ناشر : دار ابن الجوزي - السعودية / الدمام - 1422هـ ، الطبعة : الثانية ،  
تحقيق : أبو معاذ طارق بن عوض الله بن محمد .

گروهی راه دیگری رفته اند و ظاهر سخن بخاری و چگونگی باب بندی کتابش نیز بر این  
مطلب گواهی می دهد که : متفرق شدن مردم در حال خواندن نماز جمعه بوده است ، رسول  
خدا نماز را با تعداد لازم شروع کرد ؛ مردم در بین نماز متفرق شدند ؛ ولی رسول خدا با افراد  
باقی مانده نماز جمعه را به پایان برد ؛ زیرا در ادامه نماز چیزهایی بخشیده می شود که در  
آغاز آن بخشیده نمی شود .

این نظر جماعتی از دانشمندان از جمله: ابو حنیفه و طرفدارانش ، ثوری ، مالک و  
شافعی (در نظر قبلی اش) و اسحاق است .

آیا کسانی که در حضور خاتم پیامبران از شنیدن سخنان آن حضرت اعراض و شرف و افتخار شنیدن سخنان  
اشرف مخلوقات عالم را به مال دنیا می فروشند ، در زمانی که رسول خدا در میان آنان نیست ، به سخنان آن  
حضرت اعتنا خواهند کرد و دچار اختلاف و تشتت خواهند شد ؟  
آیا کسانی که با بی شرمی تمام و وقیحانه رسول خدا را تنها رها کردند ، خلیفه و جانشین وی را تنها نخواهند  
گذاشت و وصیت او را بر منافعی مادی و شخصی خود مقدم خواهند داشت ؟!

### سرپیچی از فرمان رسول خدا (ص) در قضیه متعه حج :

قضیه ی دیگری که قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله را جریحه دار و خشم و غضب آن حضرت را  
برانگیخت ، سرپیچی صحابه از فرمان رسول خدا در قضیه متعه حج بود .

ابن ماجه و احمد بن حنبل روایت را این گونه نقل می کنند :

عن البراء بن عازب قال حَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابَهُ فَأَحْرَمَنَا  
بِالْحَجِّ فَلَمَّا قَدِمْنَا مَكَّةَ قَالَ اجْعَلُوا حِجَّتَكُمْ عُمْرَةً فَقَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ أَحْرَمَنَا بِالْحَجِّ  
فَكَيْفَ نَجْعَلُهَا عُمْرَةً قَالَ أَنْظِرُوا مَا أَمْرُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا فَرَدُّوا عَلَيْهِ الْقَوْلَ فَغَضِبَ فَأَنْطَلَقَ ثُمَّ دَخَلَ  
عَلَى عَائِشَةَ غَضَبَانَ فَرَأَتْ الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ فَقَالَتْ مَنْ أَغْضَبَكَ أَغْضَبَهُ اللَّهُ قَالَ وَمَالِي لَأَغْضَبُ  
وَأَنَا أَمْرٌ أَمْرًا فَلَا أُتْبِعُ .

سنن ابن ماجه ، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني الوفاة: 275 هـ) ج 2 ، ص 2981 ، ح 2982 ، ناشر : دار الفكر -  
بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني (متوفای 241 هـ) ج 4 ، ص 286 ، ح 18546 ، باب  
حدیث قیس عنه البراء بن عازب ، ناشر : مؤسسة قرطبة - مصر .

از براء بن عازب نقل شده که گفت : با رسول خدا از مدینه خارج شدیم و برای حج ،  
احرام بستیم ، وقتی که به مکه رسیدیم ، رسول خدا فرمود : حج خود را عمره قرار دهید .  
مردم گفتند : ای رسول خدا ، ما برای حج احرام بسته‌ایم چگونه آن را عمره قرار دهیم .  
رسول خدا فرمود : توجه کنید که چه دستوری به شما داده شده است ، به همان عمل کنید  
، اصحاب ، سخن رسول خدا را رد کردند ، رسول خدا عصبانی شد و از آنان جدا شد و نزد  
عایشه رفت . عایشه غضب را در چهره رسول خدا دید ، گفت : کسی تو را خشمگین کند ،  
خدا را خشمگین کرده است . رسول خدا فرمود : چگونه خشمگین نشوم ؛ در حالی که به  
آنها دستور می‌دهم ؛ ولی آنها فرمانبردار نمی‌کنند .

رواه أبو یعلیٰ ورجاله رجال الصحیح .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر الهیثمی (متوفای 807 هـ) ج 3 ، ص 233 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار  
الکتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 .

ابویعلیٰ این روایت را نقل کرده و روات آن ، روات صحیح بخاری است .

ذهبی بعد از نقل روایت می‌گوید :

**هذا حدیث صحیح من العوالیٰ** یرویه عدة فی وقتنا عن النحیب وابن عبدالدائم

بسماعهما من ابن کلیب أخرجه ابن ماجة عن الثقة عن أبی بکر ... .

سیر اعلام النبلاء ، محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله (متوفای 748 هـ) ج 8 ، ص 498 ، ناشر :  
مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413 ، الطبعة : التاسعة ، تحقیق : شعیب الأرنؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی .

این روایتی صحیح از کتاب عوالی است که آن را عده‌ای در زمان ما از نحیب و ابن عبد  
الدائم نقل کرده‌اند که آنها از ابن کلیب شنیده‌اند . ابن ماجه این روایت را از شخصی مورد  
اعتماد و از ابی بکر نقل کرده است .

مسلم نیشابوری ، فقط تکه‌های آخر روایت را نقل می‌کند :

عن ذُكْوَانَ مَوْلَى عَائِشَةَ عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ قَدِمَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَرْبَعِ مَضِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ أَوْ خَمْسٍ فَدَخَلَ عَلَيَّ وَهُوَ غَضَبَانٌ فَقُلْتُ مَنْ أَعْصَبَكَ  
يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ قَالَ أَوْ مَا شَعَرْتُ أَنِّي أَمَرْتُ النَّاسَ بِأَمْرٍ فَإِذَا هُمْ يَتَرَدَّدُونَ .

صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری (متوفای 261 هـ) ، ج 2 ، ص 879 ، ح 1211 ، کتاب  
الحج ، باب بیان وجوه الإحرام ... ، ناشر : دار إحياء التراث العربی - بیروت ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي .

ذکوان غلام عائشه از وی نقل کرده است که گفت : رسول خدا چهار یا پنج از ذی  
الحجة گذشته بود که ناراحت نزد من آمد ، گفتم: هر کس شمارا خشمگین کند، خدا او را  
وارد آتش می کند ؟ رسول خدا فرمود : مگر نمی‌دانی که من مردم را فرمان می‌دهم ؛ ولی  
آنها چون و چرا می کنند و مردد هستند .

## سخن زشت برخی صحابه در توجیه تمرد از فرمان رسول خدا (ص) :

تمرد صحابه از فرمان رسول خدا صلی الله علیه وآله ، قلب آن حضرت را جریحه‌دار کرد ؛ اما بدتر از آن  
سخنی است برخی از صحابه در توجیه تمردشان ذکر کرده‌اند . مسلم نیشابوری در صحیحش می نویسد :

قال جَابِرٌ قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صُبْحَ رَابِعَةٍ مَضَتْ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ فَأَمَرَنَا أَنْ  
نَجِلَّ قَالَ عَطَاءٌ قَالَ جِئُوا وَأَصِيبُوا النِّسَاءَ قَالَ عَطَاءٌ وَلَمْ يَعْزَمْ عَلَيْهِمْ وَلَكِنْ أَحْلَهْنَّ لَهُمْ فَقُلْنَا لِمَا

لَمْ يَكُنْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَرَقَةَ إِلَّا خَمْسٌ أَمَرْنَا أَنْ نُفْضِيَ إِلَى نِسَائِنَا فَتَأْتِي عَرَقَةَ تَقَطَّرُ مَذَاكِيرُنَا الْمَنِيِّ  
قال يقول جَابِرٌ بِيَدِهِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى قَوْلِهِ بِيَدِهِ يَحْرُكُهَا .

صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (متوفای 261هـ) ، ج 2 ، ص 883 ، ح 1216 ، کتاب الحج ، باب بیان وجوه الإحرام ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي .

جابر گفت : رسول خدا در صبح روز چهارم ذی الحجة آمد و به ما دستور داد که از احرام خارج شویم و فرمود : از احرام خارج شوید و نزد زنانتان بروید . عطاء می گوید: مردم نزد زنانشان رفتند ؛ ولی از احرام خارج شدند . گفتیم : بین ما و عرفه پنج روز بیشتر فاصله نیست ، به ما دستور می‌دهید که با زنان جمع شویم و بعد به سوی عرفه برویم در حالی که از آلت‌های ما منی می‌چکد ؟ عطا گفت که جابر این سخن را می‌گفت و با دستش نیز نشان می‌داد ، من به سخن او می‌نگریستم و او با دست آلتش را حرکت می‌داد .

بخاری این گونه نقل می‌کند :

... فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَجْعَلُوهَا عُمْرَةً وَيَطُوفُوا ثُمَّ يَقْضُوا  
وَيَجِئُوا إِلَّا مَنْ كَانَ مَعَهُ الْهَدْيُ فَقَالُوا نَنْطَلِقُ إِلَى مَنِيِّ وَذَكَرُ أَحَدِنَا يَقَطَّرُ ... .

رسول خدا به اصحابش دستور داد تا حج را به عمره تبدیل کنند ، سپس طواف کرده ، تقصیر انجام دهند و از احرام خارج شوند ؛ مگر کسی که قربانی به همراه خود دارد ، صحابه گفتند : ما به سوی منی رهسپار شویم ؛ در حالی که از آلت ما منی می‌چکد ؟

الجامع الصحیح المختصر ، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256هـ) ج 2 ، ص 594 ، ح 1568 ، کتاب الحج ، باب 81 ، تَقْضِي الْحَائِضِ الْمُنَاسِكَ كُلَّهَا إِلَّا الطَّوَّافَ بِالْبَيْتِ ، ناشر : دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د. مصطفى ديب البغا .

و در روایت دیگر می‌نویسد :

فَيُرْوَحُ أَحَدُنَا إِلَى مَنِيِّ وَذَكَرَهُ يَقَطَّرُ مَنِيًّا .

الجامع الصحیح المختصر ، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256هـ) ج 2 ، ص 885 ، کتاب الشركة، 47 ، باب 15، الإِشْتِرَاكُ فِي الْهَدْيِ وَالْبُدْنِ ، ناشر : دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987 ، الطبعة : الثالثة ، تحقیق : د. مصطفى ديب البغا .

هر يك از ما به طرف منی برود، در حالی که از آلت او منی می‌چکد ؟

آیا کسانی که در حضور رسول خدا چنین کلماتی را بر زبان جاری می‌کنند و این گونه از فرمان صریح آن حضرت سرپیچی می‌کنند ، بعد از آن حضرت از فرمانش سرپیچی نخواهند کرد ؟

## مخالفت صحابه با رسول خدا (ص) در روزه سفر :

در سال هشتم هجرت، رسول خدا صلی الله علیه وآله برای فتح مکه قصد آن سرزمین نمود. در این سفر آن حضرت به همراهانش دستور داد که روزه خود را افطار کنند و خود نیز در حالی که همه مردم می‌دیدند ، افطار کرد ؛ ولی در عین حال برخی از صحابه از فرمان پیامبر خدا سرپیچی و تا غروب آفتاب افطار نکردند . رسول خدا پس از آگاهی از موضوع ، با صراحت تمام آنان را عصیان‌گر و گناهکار نامید .  
مسلم نیشابوری در صحیحش می‌نویسد :

حدثني محمد بن المثنى حدثنا عبد الوهّاب يعيني بن عبد المجيد حدثنا جعفر عن أبيه  
عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما أنّ رسول الله صلى الله عليه وسلم خرج عام الفتح إلى  
مكة في رمضان فصام حتى بلغ كراع الغميم فصام الناس ثم دعا يقدح من ماء فرقعته حتى نظر  
الناس إليه ثم شرب ف قيل له بعد ذلك إن بعض الناس قد صام فقال أولئك العصاة أولئك العصاة .

صحیح مسلم ، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري الوفاة: 261هـ) ج 2 ، ص 785 ، ح 1114 ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقیق : محمد فؤاد عبد الباقي .

جابر بن عبد الله مي گوید : پیامبر در سال فتح مکه در ماه رمضان با حالت روزه از شهر خارج شد ا به «کراع الغمیم» رسید، همراهان آن حضرت هم روزه بودند، ظرفي آب در خواست نمود و آن را بالا بالا برد تا مردم آن را ببینند، سپس آن را نوشید. پس از گذشتن لحظاتی، گفتند: برخی از مردم روزه هستند. فرمود: آنان سرکشان هستند ، سرکشانند .

### رسول خدا (ص) از پیمان شکنی امت خبر داده بود :

علاوه بر آنچه گذشت، پیامبر خدا از آینده اصحاب و از تغییرها و دگرگونی ها ي اعتقادي و روجي آنان، آگاهی بیشتری داشت و لذا از نافرمانی آنان و عدم پذیرش ولایت امیر مؤمنان علیه السلام خبر داده است .  
ابو یعلی موصلي در مسندش به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام مي نويسد :

... قال قلت يا رسول الله ما بيك قال ضغائن في صدور أقوام لا يبدونها لك إلا من بعدي قال قلت يا رسول الله في سلامة من ديني قال في سلامة من دينك .

مسند أبي يعلى ، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي الوفاة: 307هـ) ج 1 ، ص426 ، ناشر : دار المأمون للتراث - دمشق - 1404 - 1984 ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : حسين سليم أسد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و صدای گریه اش بلند شد. پرسیدم: علت گریه شما چیست؟ فرمود: علت گریه من، حسادت‌های است که مردم نسبت تو در دل دارند و آشکار نمی‌کنند و هنگامی آثار حسادتشان را بروز می‌دهند که من دعوت حق را اجابت کرده‌ام و در میان شما نیستم ، علي عليه السلام مي گوید : سؤال کردم : اي فرستاده خدا ! آیا در آن هنگام دین من سالم است ، فرمود : بلي دینت سالم است .

حاکم نیشابوري نیز المستدرک مي نويسد :

عن علي رضي الله عنه قال إن مما عهد إلي النبي صلى الله عليه وسلم أن الأمة

ستعذر بي بعده .

از علي عليه السلام نقل شده که فرمود : از چیزهایی که رسول خدا (ص) به من فرمود این است که : پس از من، مردم با حيله‌گری با تو رفتار می‌کنند و بعد از نقل روایت مي گوید :

هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه .

المستدرک على الصحيحين ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: 405 هـ) ج 3 ، ص150 ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا .

این حدیث سندش صحیح است ؛ ولي بخاري و مسلم نقل نکرده‌اند .

امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه مي فرماید :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَعْدِيكَ عَلَى قُرَيْشٍ وَ مَنْ أَعَانَهُمْ فَإِنَّهُمْ قَطَعُوا رَجْمِي وَ صَغَّرُوا عَظِيمَ مَنْزِلَتِي وَ أَجْمَعُوا عَلَى مُنَازَعَتِي أَمْرًا هُوَ لِي .

نهج البلاغه ، خطبه 172 و شرح نهج البلاغه ، ابن أبي الحديد ، ج 4 ، ص104.

بار خدایا از قریش و تمامی کسانی که یاریشان کردند به پیشگاه تو شکایت می‌کنم ؛ زیرا قریش پیوند خویشاوندی مرا قطع کردند و مقام و منزلت بزرگ مرا کوچک شمردند و در ربودن حقی که برای من بود ، با یکدیگر هم داستان شدند .

نتیجه : ترمذ صحابه از فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ولایت امیر المؤمنین علیه السلام ، نخستین ترمذ آن‌ها نبوده ؛ بلکه حتی در زمان حیات آن حضرت نیز بارها و بارها از فرمان آن حضرت سرپیچی شده است ؛ بنابراین صرف اختلاف صحابه نمی‌تواند دلیلی بر رد حدیث غدیر باشد .

اللهم العن الجبت الطاغوت  
wWw.Alamdar.Blogfa.com